

پژوهشی در شناخت باورها و آداب و رسوم مرتبط با چاه‌های تلا

شایسته فرح

کارشناس ارشد معماری، پژوهشگر اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان هرمزگان
sh.farah11@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴ / ۳ / ۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴ / ۵ / ۱۸

چکیده

شناخت و شناسایی معماری دست‌کند بدون توجه به فرهنگ شفاهی، آداب و رسوم منطقه، و عوامل فرهنگی‌ای که موجب شکل‌گیری این گونه معماری شده است و نیز فرهنگ و آداب و رسومی که حاصل حضور افراد در انواع دست‌کندها (چه بلندمدت و چه کوتاه‌مدت) و چه استفاده از آنها به عنوان تأسیسات و عناصر خدماتی، ناکافی و خسارت‌بار است. وجود ۳۶۶ دست‌کند (به تعداد روزهای سال کبیسه) در روستای تلا (تل + آب) لافت در جزیره قشم، دلیل ارتباط تنگاتنگی است که این فضاها با زندگی مردمان آن منطقه داشته و دارند. این فضاها در طول تاریخ پدیدآورنده باورها و آداب و رسوم و فرهنگ شفاهی مختص به خود بوده است. در این مقاله کوشش شده با استفاده از روش‌های علمی و مطالعات میدانی و اسنادی و مصاحبه به معرفی آنها پرداخته شود. عنصر آب و تمامی عواملی که به گونه‌ای با این مایع حیات در ارتباط هستند، به‌وجودآورنده فرهنگی هستند که این پژوهش به معرفی آن و ارتباط آن با دست‌کندهای تلا می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی

لافت، دست‌کند، چاه‌های تلا، آداب و رسوم، فرهنگ شفاهی

ایران از نظر جغرافیایی و آب و هوایی در منطقه‌ای نیمه‌خشک واقع شده است و همواره مردم ایران زمین با دیو خشکی و بی‌آبی در مبارزه بوده‌اند. سدهای قدیمی و آثار باقی‌مانده از شبکه‌های آبیاری و قنات‌ها، نشان می‌دهند که ایرانیان همیشه در صدد مقابله با بی‌آبی بوده‌اند. مشکل کمبود آب و وجود بیابان‌های خشک موجب حرمت گذاشتن مردم به آب شده و این باور تا امروز زنده است.

آب یکی از مقدس‌ترین عناصر طبیعی نزد ایرانیان، مظهر روشنائی و نماد پاکی به شمار می‌رفته است. بر طبق باورهای اساطیری ایرانیان باستان، آب در گاهنبار دوم از گاهنبارهای شش‌گانه آفرینش آفریده شده است و زمان آفرینش آن میانه تیر ماه بوده است. بر طبق این باورها، آفرینش آب پس از آفرینش آسمان و پیش از آفرینش سایر موجودات صورت گرفته است. ایرانیان باستان آب را یکی از ایزدان مقدس می‌شمردند و او را تقدیس و تکریم می‌کردند. نقش آفرینندگی و زایایی آب از روزگاران کهن برای ایرانیان باستان شناخته شده بود و در اوستا، بارها به این نقش و اهمیت و تقدس اشاره شده است. سنت‌ها و باورهای مربوط به تقدس و ارجمندی آب هنوز هم میان ایرانیان وجود دارد و در آداب و رسوم و اعتقادات آن‌ها پابرجاست.

راهکارهای خلاقانه ارتباط انسان با آب، نقشی شایان توجه در تطبیف شرایط سخت طبیعی ایفا کرده‌اند. در معماری ایرانی علاوه بر اینکه فضاهای معماری مانند خانه و مسجد و حسینیه و بازار هر یک به نحوی با آب ارتباط داشته‌اند. برخی گونه‌های معماری نیز اختصاصاً برای نگهداری و توزیع و مصرف آب به وجود آمده است که ذوق و هنر ایرانی تجلی زیبا و دلپذیر و پرمعنای خویش را در آن به نمایش گذاشته است. از جمله مهم‌ترین این گونه‌ها می‌توان به آب‌انبارها، آسیاب‌ها، سقاخانه‌ها، پل‌ها و قنات‌ها و چاه‌ها اشاره کرد. در حقیقت مقتدر شدن سلسله هخامنشی بستگی با دانش آب‌شناسی ایرانیان داشت. زیرا بیشتر تمدن‌های باستانی در کنار رودهای بزرگ «نیل»، «دجله»، «فرات»، «هوانگ‌هو»، و «یانگ تسه» شکل گرفته‌اند و تنها کشوری که به دور

از رودخانه عظیم به قدرتی جهانی تبدیل شد، ایران بود. ادعایاتی که ایرانیان با توجه به غنای فرهنگی خود برای هرچه زیباتر جلوه دادن آب انجام می‌دادند، در هنرها و صنایع دستی ایرانی نیز نمود یافته است. به طوری که در مهم‌ترین هنر دستی ایران یعنی فرش، در نشان دادن مناظر زیبا، آب چشمه‌سارها، و حوض‌ها و رودخانه‌ها نقش آفرین شده‌اند. همچنین در کم‌تر مینیاتور ایرانی است که نقش جویباری زیبا و یا حوضی که مرغان در آن به آب‌تنی و بازی مشغول‌اند، نمایش داده نشده باشد و نیز بر کتیبه‌ها و دیوار کاخ‌ها نیز هر جا مجلسی را رقم زده‌اند آب، آب‌نما و نهر، و جوی و جویبار خودنمایی کرده است.

در بسیاری از اشعار شعرای ایرانی و در نظم و نثر فارسی نیز وصف آب از موضوع‌های مهم و پر جلوه به شمار می‌رود و شاعران کوشیده‌اند تا زیبایی و خروش این مایع حیات را که در پرتو هنر ایرانی در آب‌نماهای زیبا و حوض‌های کاشیکاری به نمایش درآمده، در آثار خود منعکس کنند. همچنین شعرا و ادبا جنبه‌های زندگی‌ساز و ارزش‌هایی را که آب در پرورش گل‌ها و ریاحین و باغ و بوستان و رفاه زندگی بشر دارد، در اشعار خود به وفور می‌آورده‌اند تا جایگاه آب در فرهنگ ملی ما را بیشتر بنمایند.

آب در فرهنگ ملی ایران از نظر مذهبی نیز دارای ارزش و اعتباری خاص بوده است. ایرانیان از دوران باستان آب را مظهر پاکیزگی می‌دانستند و این موضوع در نوشته‌های مذهبی و بر اساس روایات دینی اوستایی مورد تأکید بوده و در شاهنامه فردوسی نیز به این باورهای مذهبی اشاره شده است. در قرآن کریم، آب وسیله رفاه و بقا و آسایش بشر شمرده شده که اگر از میان برود کسی جز خداوند قادر به آفریدن آن نیست و اگر مردم بر طریق طاعت گام بردارند، خدا آب گوارا به آنان عنایت کند و اگر بخواهد آب خوشگوار را تلخ و شور می‌گرداند.^۲ بی‌آبی و عطش امام حسین^(ع) و خاندان و یارانش در کربلا نیز یکی از بزرگ‌ترین و دلسوزترین روایات دینی است.

۱. موقعیت جغرافیایی

جزیره قشم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس است و مساحت آن ۱۴۳۰ کیلومتر مربع است. این جزیره موازی سواحل شمالی خلیج فارس در جهت شمال شرقی - جنوب غربی قرار دارد و به وسیله تنگه کلارنس از خاک اصلی ایران جدا می‌شود. درازای این جزیره ۱۳۰ کیلومتر و پهنای آن بین ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر است. نزدیک‌ترین فاصله آن (از بندر لافت) تا بندر عباس ۲۰ کیلومتر است. جزیره هرمز در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی، جزیره لارک در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی و جزیره هنگام در ۱ کیلومتری جنوب جزیره قشم قرار دارند (خسروزاده، ۱۳۸۴) (تصاویر ۱ و ۲).

روزگاری به سرتاسر جزیره قشم، جزیره لافت گفته می‌شد. لافت کهنه^۲ و لافت جدید نام دو روستایی است که در ۵۸ کیلومتری شهر قشم واقع‌اند. در لافت کهنه سکنه‌ای وجود ندارد ولی لافت جدید آباد است. مردم محل در مورد



تصویر ۲. موقعیت قرارگیری روستای لافت، دست‌کندهای تلا، جنگل حرا (مأخذ: ناسا، ۲۰۱۳).

وجه تسمیه لافت می‌گویند که لافت به معنای لاک و مهر است. یعنی از قشم که به این سو می‌آیی، راه بسته است. موقعیت لافت در دماغه شمالی جزیره قشم و در نزدیک‌ترین نقطه به ساحل اصلی ایران از زمانهای بسیار دور برای این بندر ویژگی‌های خاصی به همراه داشته است و آن را همیشه



تصویر ۱. عکس هوایی جزیره قشم (مأخذ: ناسا، ۲۰۱۳).



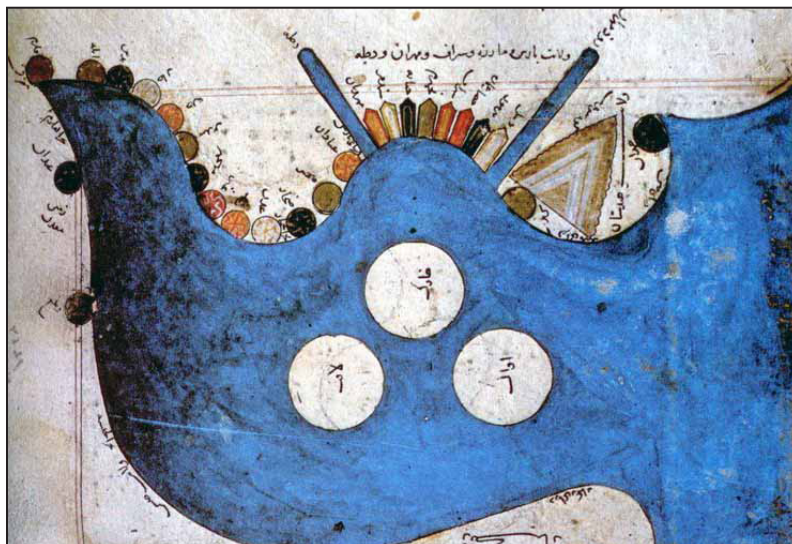
تصویر ۳. عکس هوایی روستای لافت (مأخذ: ناسا، ۲۰۱۳).

امتداد ساحل شکل گرفته است. دلایل شکل‌گیری این روستا در این مکان خاص، دسترسی مستقیم به دریا و تسهیل ارتباط دریایی و فراوانی نسبی آب شیرین نسبت به سایر نقاط جزیره است. نزدیکی به جنگل‌های حرا^۴ و همسایگی با سواحل شمالی خلیج فارس را می‌توان از دلایل شکل‌گیری بافت این روستا برشمرد. هسته مرکزی روستای لافت در اطراف چاه‌های تلا و در امتداد ساحل شکل گرفته و در حد فاصل کنار دریا و دامنه تپه‌های کم‌ارتفاع در جهت شمالی -

به عنوان یک کانون زیستی با اهمیت برای حاکمان منطقه مطرح کرده است (تصویر ۳). روستای لافت در تقسیمات سیاسی استان در محدوده دهستان سلخ، بخش شهاب، شهرستان قشم و در ۵۵ درجه و ۴۶ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی واقع شده است (تصویر ۴).

۲. بافت تاریخی لافت

روستای لافت نیز مانند بسیاری از روستاهای قشم، در



تصویر ۴. نقشه قرارگیری جزایر خلیج فارس (مأخذ: مسالك الممالک اصطخری، سده ۴ هجری).



تصویر ۵. نمایی از بافت تاریخی روستای لافت (عکس از: مؤلف، ۱۳۹۱).



تصویر ۷. پر شدن محدوده چاه‌ها در فصل پربارش (عکس از: مؤلف).

چاه‌های تلا و آب‌انبار اصلی روستا جاری می‌شود. شکل‌گیری بافت به صورتی است که آب جاری از تپه‌ها وارد بافت روستا نشود. به هنگام باران‌های شدید در محدوده چاه‌ها دریاچه‌ای تشکیل می‌شود و آب‌انبار اصلی روستا پر از آب می‌شود. سرریز آب چاه‌ها و آب‌انبارها از محوطه اطراف مسجد جامع به دریا می‌ریزد (تصویر ۷).

۴. چاه‌های تلا / طلا

در حد فاصل مسجد جامع روستای لافت و قلعه تاریخی نادری به سمت ارتفاعات شرق روستا ۳۶۶ چاه در دل صخره‌ای حفر شده است (تصویر ۸). بر اساس مطالعات



تصویر ۶. نمایی از بافت تاریخی روستای لافت (عکس از: مؤلف، ۱۳۹۴).

جنوبی گسترش یافته است.

بافت تاریخی روستای لافت حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۷۰ متر عرض دارد و در امتداد ساحل قرار گرفته است. بافت این بخش یکپارچه و پیوسته است و مجموعه چاه‌های تلا و قلعه که به ترتیب مربوط به دوران تاریخی و اسلامی هستند در این بخش قرار دارند (تصاویر ۵ و ۶).

۳. سیستم تأمین آب روستا

سیستم تأمین آب روستای لافت مبتنی بر جمع‌آوری آب‌های سطحی از تپه‌های میانی روستاست. آب باران در مجراهای طبیعی و مصنوعی تپه جاری می‌شود و به طرف مجموعه

انجام شده در مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان هرمزگان، قدمت چاه‌ها به دوران مادها می‌رسد. آنچه که در مورد این دست‌کندها دارای اهمیت است، نحوه آبیگری چاه‌هاست. بر خلاف آنچه که معمولاً در خصوص چاه تصور می‌شود، مجموعه چاه‌های تلا از آب‌های زیرزمینی پر نمی‌شود، بلکه با آب باران آبیگری می‌شود. چاه‌های حفر شده در دل صخره‌ای که با وسایل پیشرفته امروزی نیز حفر آن‌ها به سختی صورت می‌گیرد، ایجاد شده اند و تعدادشان برابر با روزهای سال کبیسه (۳۶۶ حلقه) است؛ به این ترتیب که هر چاه یک روز از سال مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته و روز بعد نوبت چاه دیگر بوده است.



تصویر ۸. نمایی از مجموعه چاه‌ها تلا (عکس از: مؤلف، ۱۳۹۴).

۶. نگهبان آب

چاه‌ها همواره نگهبان داشته اند و نگهبان آنها یکی از زن‌های روستا بوده است. طبق گفته ساکنان، محافظ چاه‌ها در محل چاه‌ها کپری برپا می‌کرده و شبانه‌روز در همان محل به زندگی می‌پرداخته است. وظیفه این فرد در وهله نخست مشخص کردن نوبت چاه بوده است. به این صورت که هر روز سال نوبت برداشت از یکی از چاه‌ها بوده و او آن چاه را مشخص می‌کرده است. وظیفه بعدی نگهبان تقسیم نوبت برداشت آب بین اهالی بوده است. به این صورت که هر خانواده روز و نوبت مشخصی برای برداشت داشته که توسط بانوی محافظ آب اعلام می‌شده است. او همچنین بر صحت انجام برداشت‌ها نظارت می‌کرده است.

البته برخی از ریش‌سفیدان و نوه آخرین نگهبان چاه ذکر کرده اند که تمامی چاه‌ها آب شیرین نداشته اند و شخص محافظ فقط از تعدادی از آنها که دارای آب شیرین بوده اند، محافظت می‌کرده است.

اینکه همواره بانویی از بانوان روستا به محافظت از آب مشغول بوده به احتمال زیاد برمی‌گردد به جایگاه ناهید/ آناهیتا ایزد بانوی آب و باران و باروری در مذاهب ایران باستان.

۷. آیین پاک‌سازی چاه‌ها

پاک‌سازی چاه‌ها بر مبنای دو زمان‌بندی صورت می‌گرفته است؛ هفتگی و سالانه. زمان پاک‌سازی هفتگی روزهای جمعه بود. در این روز در سطح روستا جار زده می‌شد و ساکنان ذکور همگی جمع می‌شدند و محوطه چاه‌ها را تمیز می‌کردند. این کار در تمام طول سال جز ماه رمضان انجام می‌شد.

پاک‌سازی سالانه قبل از بارندگی و در اواخر پاییز انجام می‌شده؛ زمانی که آب چاه‌ها تمام شده بود و یا میزان کمی آب در چاه‌ها موجود بود و مردم چشم به راه بارش نو بودند. برای این پاک‌سازی نیز جارچی در روستا جار می‌زد و مردان روستا برای لایروبی و آماده‌سازی چاه‌ها برای استفاده از آن

۵. نام‌گذاری

مطابق بررسی‌های میدانی انجام‌شده، دو وجه تسمیه برای این چاه‌ها متداول دارد. نخست آنکه تلا یا تلاو تشکیل شده است از دو کلمه تل به معنی پشته و او (آب) در مجموع به معنی حجمی از آب است. در روایت دوم نام چاه‌ها طلا فرض می‌شود که بر اساس آن به علت ارزش بسیار زیاد آب در اقلیم لافت، نام طلا به چاه‌ها داده شده است.

علاوه بر نام عمومی مجموعه، هر کدام از دست‌کندها بر اساس موقعیت قرارگیری، طعم آب، نحوه استفاده و گاه بر اساس اتفاقی که در جوار آن رخ داده، دارای نامی مشخص است. در زیر اسامی ۵۴۰ حلقه از چاه‌ها که هنوز در بین اهالی متداول است، آورده می‌شود (جدول ۱).

ردیف	نام چاه به گویش لافتی	معنی	ردیف	نام چاه به گویش لافتی	معنی
۱	در تلویی darteloee	دارای دهانه بزرگ	۲۱	تمب میون تلو Tombmaiontelo	تپه‌ای که میان آن بزرگ است
۲	سردو sardoo	سرد، خنک	۲۲	سغی saghi	سگی
۳	لوبونی loboni	دهانه ای	۲۳	پا سغی pa saghi	پاسگی
۴	لیموشکی limooshki	روموشکی	۲۴	کمی kami	گرد قیف مانند
۵	دریکوزی darikooziI	در کوزه‌ای	۲۵	کمی درویشی kamidarvishi	گرد درویشی
۶	زیچیتی zichit	زیر درخت	۲۶	کمی در به قبله	گرد در به قبله
۷	خوری khoori	چاهی که کنار خور است.	۲۷	پا کمی	گرد پایین پایی
۸	پا خوری pa kheri	چاهی که پایین خور است.	۲۸	کمی بالا	گرد بالایی
۹	اوشی محمودی OshiMahmoodi	عایشه محمود نگهبان آب	۲۹	کمی زیری	گرد پایینی
۱۰	خری kheri	خری	۳۰	کمی زیارتی kemiziarati	گرد زیارتی
۱۱	زی دل خری zi del kheri	زیر دل خری	۳۱	او رویی oroee	آن سویی
۱۲	بُشی Boshi	لبه‌ای	۳۲	لردی lardi	بیرونی
۱۳	تکی teki	جدافتاده	۳۳	لردی گپ lardi gap	بیرونی بزرگ
۱۴	گته‌ای getee	سوندی	۳۴	دومارون doomaroon ^v	دامادی
۱۵	گاز لیتی gazleiti	آب آن به رنگ نفت چراغ است	۳۵	کنته‌ای konteii	کنده درختی
۱۶	میون تلویی mionteloe	چاهی که میانش از دهانه گشادتر است.	۳۶	پش تنبی posh tanbi	پشت تپه‌ای
۱۷	غرابو ghorabo	دهانه کشتی مانند	۳۷	هوشوری hoshoori	آب شور
۱۸	دی دل غرابی di del ghorabi	چاه زیر غرابو	۳۸	تلخو talkhoo	لب تلخ
۱۹	ریغی rigi	ماسه‌ای	۳۹	چارکنج char konj	چاهی که دهانه چهار گوش دارد.
۲۰	گره‌ای gorbeii	گره‌ای	۴۰	تنبی tanbi	تپه‌ای

جدول ۱. اسامی چهل حلقه از چاه‌های تلا (تنظیم از: مؤلف، ۱۳۹۴).

در سال آینده جمع می‌شدند و با کمک یکدیگر حلقه‌های چاه را پاک می‌کردند (تصویر ۹).

۸. زیارت درخت کُنار (konar)

آب به سبب ارزش فراوانی که در منطقه دارد، مقدس است. از این رو درختی که در کنار این مجموعه روئیده است نیز مقدس به شمار آمده و به درخت زیارت مشهور است. این درخت از گونه کُنار است و بر روی قطعه سنگ در محل قرارگیری چاه‌ها روئیده است. اهالی اعتقاد خاصی به درخت دارند و افراد با حاجت‌های مختلف از جمله بچه‌دار شدن



تصویر ۹. نمایی از دهانه یک چاه (مأخذ: مؤلف، ۱۳۹۴).

و بهبود بیمار به زیر درخت می‌آیند. در این موارد شخص حاجت‌مند یا بیمار را دور درخت زیارت طواف می‌دهند و از خداوند برآورده شدن حاجتش را تقاضا می‌کنند. سپس پارچه سبزرنگی به شاخه درخت می‌بندند و از درخت مدد می‌جویند و حیوانی را که با خود آورده اند قربانی می‌کنند. آنگاه گوشت قربانی را طبخ کرده و خیرات می‌کنند. خون حیوان قربانی‌شده در زیر درخت نباید شسته شود. چرا که معتقد اند در صورت شسته شدن، نذر حاجت‌مند برآورده نمی‌شود (فلسفی میاب، ۱۳۷۹).

در روزهای جمعه و اعیاد قربان و فطر نیز در زیر درخت در چاله‌ای ابتدا اسفند دود می‌کنند و در پایان گشته^۸ می‌سوزانند تا محل بوی مطلوب و معطری بدهد.



تصویر ۱۰. درخت زیارت (مأخذ: مولف، ۱۳۹۴).

عده‌ای نیز معتقد اند که شخصی به نام خواجه کریم که از اولیای خدا بوده است قبل از اینکه مردم به علت حملات و یورش‌های همسایگان از محل لافت کهنه به این محل کوچ کنند، توسط غلامانش به حفر چاه‌ها اقدام کرده است و درخت زیارت قدمگاه اوست. البته این فرضیه با تاریخ‌نگاری انجام‌شده توسط کارشناسان میراث فرهنگی تطبیق نمی‌کند و فقط به عنوان نمونه‌ای از باورهای مردم روستا در خصوص پیدایش چاه‌های تلا حائز اهمیت است.

۹. مراسم قبله دعا

یکی از مراسمی که در اکثر روستاهای جزیره قشم رایج است

و تا به امروز همچنان برگزار می‌گردد، مراسم قبله دعا است تفاوت مراسم قبله دعا در روستای لافت با سایر روستاها، ارتباط مستقیم برگزاری این مراسم با وضعیت آبگیری چاه‌هاست؛ اگر میزان آب موجود در چاه‌ها به حد قابل قبول نرسیده باشد، این مراسم برگزار می‌شود.

مراسم ذکرشده برای مردم بومی جنبه تقدس دارد و در سال‌هایی که باران به موقع نمی‌بارد و آب برکه‌ها و چاه‌ها کم می‌شود و دشت‌ها و صحراها خشک می‌شوند، امام جماعت و پیشوای مذهبی شهر - که فردی با تقوا و پرهیزگار است - مقدمات رفتن مردم به محل قبله دعا و اجرای مراسم را فراهم می‌کند. اولین گروهی که فرمان امام جماعت را اجابت می‌کنند، کودکان هستند. به این ترتیب که عده زیادی از کودکان برای خبر کردن مردم و دریافت پول و تنقلات، دسته‌دسته با هم در کوچه و بازار به راه می‌افتند و سرودها و شعرهای مربوط به باران را می‌خوانند. آنها به دو گروه تقسیم می‌شوند، یک گروه قسمتی از شعر را که در ذیل آورده می‌شود، می‌خوانند و گروه دیگر در جواب ان شاء الله می‌گویند.

موشکو	ایشاء الله
گردن ریشکو	ایشاء الله
خدا بارون هادیت	ایشاء الله
به مسکینن هادیت	ایشاء الله
به جوکارون هادیت	ایشاء الله
ان شاء الله بارون بده	ایشاء الله
ان شاء الله ، ان شاء الله ، ان شاء الله	

و بار دیگر از ابتدا شروع و تکرار می‌کنند. کودکان این اشعار را می‌خوانند و به در خانه‌ها می‌روند و در می‌زنند و در همان حال به خواندن ادامه می‌دهند. صاحبخانه بیرون می‌آید و هدیه‌ای به بچه‌ها می‌دهد و اگر کودکی در خانه باشد به کودکان آوازخوان می‌پیوندد و به در خانه‌های دیگر می‌روند. این کار تا پاسی از شب و گاهی تا دو روز ادامه می‌یابد (فلسفی میاب، ۱۳۷۹).

با آمدن کودکان به کوچه و خیابان مردم می‌فهمند که امام جماعت می‌خواهد به قبله دعا برود. فردای آن روز، به



تصویر ۱۱. محل برگزاری قبله دعا و ارتباطش با چاهها و سایر فضاها (عکس از: google earth، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۲. برگزاری قبله دعا (عکس از: مؤلف، ۱۳۹۳).

می‌گردد. در روز اجرای مراسم مردم روزه‌دار تدریجاً تا ساعت هشت صبح وارد محل قبله دعا می‌شوند. همه مردم لباس سفید و تمیز می‌پوشند. مردم دو رکعت نماز می‌خوانند و سپس امام دو خطبه می‌خواند و دعا می‌کند و در حالی که اشک از چشمانش سرازیر شده است، به درگاه خدا استغاثه کرده و تقاضای باران می‌کند و مردم «آمین» می‌گویند. بعد از خطبه شش نفر از جوانان پانزده تا بیست‌ساله از جمعیت جدا شده و پیش می‌افتند و یک نفر از آنان شعر و دعای باران را می‌خوانند و جوانان و مردم پاسخ می‌دهند. قسمتی از شعر درخواست باران این است:

ای خداوندا به ما باران بده / رحم فرما و به ما باران بده
هم به حق مصطفی ختم الرسل / هم به حق مرتضی باران بده
ما ضعیفیم و ذلیلیم ای خدا / لطف فرما و به ما باران بده

دستور امام جماعت عده‌ای از مردان در روستا جار می‌زنند و به مردم خبر می‌دهند که برای خوردن خوراک نذری به قبله دعا بیایند. عده‌ای از اهالی، صبح زود به محل می‌روند و آنجا را آب و جارو می‌زنند و جمعی دیگر دیگر دیگ‌های بزرگ غذا را بار می‌گذارند و برای ظهر غذای مفصلی می‌پزند و در همان جا بین فقرا توزیع می‌کند. احسان غذا به فقیران و یتیمان و درماندگان دو روز طول می‌کشد و بعد به دستور امام جماعت مردم شهر روزه باران می‌گیرند و در مسجدهای شهر جمع می‌شوند و قرآن می‌خوانند و روز چهارم پشت سر امام جماعت به سمت محل قبله دعا حرکت می‌کنند. در روز استسقاء یا طلب باران، مردم به دستور پیش نماز روزه می‌گیرند. زیرا معتقد اند همان طور که پیامبر (ص) فرموده است، دعای روزه‌دار مستجاب می‌شود دعای آن‌ها نیز اجابت

ما به درگاه تو روی آورده ایم/ کن اجابت این دعا باران بده
مرد و زن، پیر و جوان، خرد و بزرگ/ منتظر هستند به ما باران بده
سال بگذشت و نیامد رحمتی/ قحط گشته خالقا باران بده
شیر گشته خشک در پستانها/ چون نبارد از سماء باران بده
ما گنه کاریم و از جرم و گناه/ عذر خواهیم ای خدا باران بده
نه زراعت، نه گیاهی از زمین/ آمده بیرون خدا باران بده
یا غیث المستغیثین اسقنا/ تو کریمی ای خدا باران بده
هم به جاه حضرت خیر الانام/ هم به جام مرتضی باران بده
بندگان عاجزانند ای خدا/ لطف و احسانی نما باران بده
(فلسفی میاب، ۱۳۷۹).

در روستای لافت در روز اجرای مراسم رسم است که انواع حیوانات اهلی و وحشی که امکان آوردنشان به محل وجود دارد، به محل مورد نظر آورده می شوند تا آنها نیز از پروردگار درخواست باران کنند.

۱۰. نتیجه گیری

آنچه مسلم است آب به عنوان ماده حیات در شکل گیری مراکز استقرار، همواره یکی از اصلی ترین عوامل تأثیرگذار بوده است. قرارگیری روستای لافت در یکی از نقاط استراتژیک جزیره قشم در جوار خلیج فارس بیشتر به سبب موقعیت جغرافیایی و اهمیت مکانی آن صورت بسته است. از طرف دیگر اسکان بدون وجود آب شیرین نیز ناممکن بوده است. به همین دلیل یافتن راهی برای به دست آوردن آب شرب، دغدغه اصلی ساکنان بوده است. نبوغ، خلاقیت و ابتکار ساکنان لافت به حفر ۳۶۶ حلقه چاه - در مکانی که با ماشین آلات امروزی نیز حفاری بسیار مشکل است - منجر شد و منطقه ای بی آب را به مکانی مناسب برای زندگی بدل کرد.

آبی که با این همه سختی و زحمت به دست آمده است، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تمامی وجوه زندگی ساکنان یافته و به پیدایش فرهنگ و آداب و رسوم خاصی منجر شده است. برگزاری مراسم قبله دعا، وجود نگهبان چاهها، مراسم پاکسازی، رفتن به محضر درخت زیارت، نام گذاری چاهها و نحوه استفاده و مدیریت آب، همه و همه شواهدی بر این مدعا هستند. شناخت فرهنگ و آداب و رسوم مرتبط با

دست کندهای تلا علاوه بر زنده نگهداشتن این آداب و رسوم به حفظ چاهها و رونق اکوموزه و جذب گردشگر نیز کمک خواهد کرد.

پی نوشت ها

۱. قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غوراً فمن یأتیکم بماء معین (سوره ملک / ۳۰).
۲. و ألو استقاموا علی الطریقۃ لأسقیناهم ماء غدقاً (سوره جن / ۱۶) ...و أسقینکم ماء فراتاً (سوره مرسلات / ۲۷) / لو نشاء جعلناه اجاجاً فلولاً تشکرون (سوره واقعه / ۷۰).
۳. منطقه ای که اهالی لافت به علت حمله غارتگران آن را به مقصد لافت فعلی ترک کردند.
۴. حرا، گیاهی از تیره شاه پسند است. دانه آن روی درخت مادر می روید و نهال تولید می کند. سپس از درخت جدا می شود و داخل مرداب می افتد. جنگل حرا بر دریا و آب شور قرار دارد و این سازش با آب شور و شرایط نامناسب، از حرا یک گیاه استثنایی ساخته است.
۵. اسامی در مصاحبه با چند تن از ریش سفیدان لافت به دست آمده است.
۶. چاهی که درش رو به قبله است و اگر حیوانات از آب آن بخورند می میرند.
۷. چاهی که داماد را با آب آن حمام می کنند.
۸. نوعی ماده خوشبوکننده هوا

منابع

- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۴). گزارش بررسی باستان شناختی جزیره قشم (فصل اول). بندرعباس: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- _____ (۱۳۹۱). گزارش بررسی باستان شناختی جزیره قشم (فصل دوم). قشم: مدیریت میراث فرهنگی منطقه آزاد قشم.
- روایی، مرجان (۱۳۷۷). پرونده ثبتی چاههای تلا. بندرعباس: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- فرح، شایسته (۱۳۸۴). پرونده ثبتی بافت تاریخی لافت. بندرعباس: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- فلسفی میاب، علی و مریم ابوالفتحی (۱۳۷۹). مردم نگاری شهرستان قشم. بندرعباس: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.